

روایهایی که می‌آیند

سازان گلفر cinemaglobe.blogfa.com

بازگشت به خانه

خانواده‌ها، چه در تگزاس یک شیا‌د را به عنوان فرزند خود پذیرفته باشند، چه در انشقاق قاره‌های ماقبل تاریخ از هم پاشیده باشند و چه در اوکراین از زیر یک سقف گرد آمدن کودکان بلوند و سیاه‌پوست تشکیل شده باشند، این هفته هم مثل بسیاری از هفته‌های دیگر در کانون فیلم‌های اکران گرفته قرار دارند.

■ ■ ■

آلپز



شرکت «آلپز» با ارایه خدماتی ویژه، افرادی را که متخصص بازی در نقش عزیزان در گذشته هستند نزد اقوام، دوستان و همکاران افراد متوفی می‌فرستد. مدیر این شرکت که مون بلان (آریس سروتالیس) نام دارد بسیار سختگیر و دایم مراقب کارکنانش است اما زمانی که پرستار آن شرکت (آگلیکی پوپولیا) تصمیم می‌گیرد از شرح وظایف خود فراتر برود، مدیر هم نمی‌تواند جلو بازیاشی این شرکت را بگیرد. فیلم «آلپز» محصول کشور یونان که اولین بار سال گذشته در جشنواره ونیز به نمایش درآمد و در جشنواره سیدنی نیز برنده جایزه شد را یورگس لاثیموس (برنده جایزه بخش نگاه خاص جشنواره کن برای «دندان سگ» در سال ۲۰۰۹) کارگردانی کرده است. زمان نمایش فیلم ۹۳ دقیقه است.

پر تره سیاه و سفید خانوادگی



Family Portrait in Black and White مستند «پر تره سیاه و سفید خانوادگی» محصول مشترک ۲۰۱۱ کانادا و اوکراین به یک پتیمیخانه در روستایی در اوکراین می‌پردازد که زنی به نام اولگا نسیا در آن یک‌تنه از ۲۳ کودک نگهداری می‌کند که ۱۶ نفر از آنها سیاه‌پوست هستند. نژادپرستی در آن کشور یک مساله بسیار مهم است که این زن و بچه‌ها مدام با آن دست به گریبان هستند. در این‌فیلم با ماجراهای خاص زندگی تعدادی از آن بچه‌های سیاه‌پوست نیز آشنا می‌شویم و فلسفه خاصی که سال‌ها زندگی زیر یوغ رژیم کمونیستی در ذهن الگا پدید آورده است، جولیسا اوپاوالا این مستند ۹۰دقیقه‌ای انگلیسی‌زبان را ساخته است.

عصر یخبندان: رانش قاره‌ای



چهارمین انیمیشن از مجموعه «عصر یخبندان» که به شیوه سب‌بعدی روانه پرده شده است، به داستان خانواده ماموت‌ها و دوستان آنها می‌پردازد که بعد از آنکه -طبق معمول- جست‌وجوی یک دانه بلوط توسط یک سنجاب دندان‌خنجری به یک بحران زیست‌محیطی منجر می‌شود و چهره کره زمین را تغییر می‌دهد، در دوا و خشکی سرگردان و با شخصیت‌های تازه‌ای روبه‌رو می‌شوند که می‌خواهند جلو بازگشت آنها به خانه را بگیرند. استیو مارتینو و مایکل تورمیر این قسمت را کارگردانی کرده‌اند که قبلا در گروه کارگردانی فیلم‌هایی از این مجموعه (مخصوصا آثار کوتاه مربوط به شخصیت سنجاب) و همین‌طور انیمیشن «هورتن» حضور داشته‌اند. کوین لطیفه، دنیس ابری، جان لگوپیزمو، جنیفر لویز، نیک فراست و عزیز انصاری از صدایپیشگان این انیمیشن ۹۴دقیقه‌ای هستند.



The Imposter داستان واقعی مرد جوانی که سه سال بعد از ناپدید شدن پسر یک خانواده در سن آنتونیو تگزاس، خود را به عنوان پسر آنها جازد و با وجود تفاوت‌های ظاهری و رفتاری آشکار با شخص مفقودشده و داشتن لهجه فرانسوی، توانست پنج ماه با آن خانواده زندگی کند، پیش از این نیز در فیلم «قتاب‌پرست» درامتیزه شده بود و اکنون در فیلم مستند «شیا‌د» به تصویر کشیده شده است. این فیلم با زمان نمایش ۹۵ دقیقه محصول انگلستان است و بارت لایتون آن را کارگردانی کرده است.

❧ بعد از موفقیت «دندان سگ» به خصوص در آمریکای شمالی، پیدا کردن سرمایه‌گذار برای «آلپز» آسان تر بود؟

نه، آسان نبود. در حقیقت من این فیلم را با بودجه کمتری از «دندان سگ» ساختم. (می‌خندد).

❧ بعد از اینکه «دندان سگ» نامزد دریافت جایزه اسکار شد و توجه مردم را به فیلم‌های جدید و فیلمسازان یونانی جلب کرد، واکنش مردم در یونان به این فیلم چگونه بود؟

موفقیت «دندان سگ» برای چند سال ادامه داشت. در یونان قبل از نامزدی‌اش در اسکار پخش شده بود، در کن و چند جشنواره اروپایی دیگر هم جایزه برده بود. ما چند سال بود که در کن جایزه‌ای نبرده بودیم. این باعث شهرت فیلم و توجه مردم به آن شد، پس برای ما خوب بود. فیلم مدام نشان داده شد و فیلم خوبی بود و مردم هم به دیدنش علاقه‌مند بودند. کسانی که این‌گونه فیلم‌ها را نمی‌دیدند، به تماشای آن نشستند چون یک فیلم یونانی موفق بود. واکنش‌های گوناگونی به فیلم نشان دادند. بعضی نمی‌دانستند چه واکنشی نشان بدهند و بعضی هم فیلم را دوست نداشتند.

❧ حداقل در آمریکای شمالی، حرف‌هایی نه چندان جدی درباره «موج نو در یونان» و «سینمای جدید یونان» می‌زنند که بیشتر بر اساس فیلم‌هایی چون «دندان سگ»، «تنبیرگ» و حال «آلپز» است. آیا چنین حسی در بین فیلمسازان جوان یونانی نیز وجود دارد یا اینها فقط بر چسب هستند؟

درست است که جوانان در حال فیلم ساختن هستند و انواع مختلف فیلم نیز وجود دارد. این باعث شده که به فیلم‌هایی که در یونان ساخته شده است، توجه شود. مردم هم دوست دارند که بر این سینمای جدید قومی یک نام بگذارند. این‌طور نیست که یک حرکت جدید در کار باشد یا یک فلسفه مشترک در ساختن این فیلم‌ها وجود داشته باشد. این‌طوری پیش آمد و حالا مردم به آنها توجه می‌کنند.

❧ تصور نمی‌کنم با وضعیت فعلی اقتصاد در یونان، علاقه چندانیه به سرمایه‌گذاری در فیلمسازی باشد.

خب، هنوز بعضی از افراد علاقه دارند و سال‌هاست که اوضاع بد است. بحران اقتصادی تاثیر چندانیه بر مسایل نگذاشته است. حتی قبلا سساختاری برای فیلمسازی نبود؛ هیچ‌گونه صنعت مناسبی وجود نداشت و ساختار به ما کمکی نمی‌کرد. پس فیلمسازان به هم کمک می‌کردند و فیلم‌هایی با بودجه خیلی کم می‌ساختند. حال با بحران اقتصادی، اوضاع کمی بدتر شده است، ولی فیلمسازان همچنین فیلم خواهند ساخت. خیلی با گذشته فرق نکرده است.

❧ با توجه به اینکه در یونان صنعت فیلمسازی

نگاهی به انیمیشن «عصر یخبندان: رانش قاره‌ای»

نشانه‌های انقراض

پیتر دربروژ/ترجمه: پریا لطیفی‌خواه

مجموعه کارتون‌های ماقبل تاریخی بسیار پرترفدار فاکس در چهارمین قسمت خود با عنوان «عصر یخبندان: رانش قاره‌ای» که بارهه است اما چیزی به قبلی‌ها اضافه نمی‌کند، نشانه‌هایی از انقراض را بسوز می‌دهد. در این فیلم، مانی و خانواده ماموتی پشم‌آلوی او به علت بروز جدایی در پانگایا-رخدادی که در واقع تقریبا ۲۰۰میلیون

سال قبل از زمان آنها به وقوع پیوسته است- از هم می‌پاشد. این خطای علمی آنقدرها هم اهمیت ندارد اگر این مجموعه فیلم‌ها که خیلی هم متفکرانه نیست، بتواند باحضور ستارگان دایناسوری خود به بالاترین نقاط جدول فروش برسد. اکنون ماجرا به دریا کشیده است و دزدان دریایی، آوا‌های اورژینال و شخصیتی که صدای جنیفر لویز را دارد، تفریح بی‌ضرری را می‌سازند که بعید است بتواند با گیشه فروش فیلم‌های قبلی مجموعه رقابت کند. فیلم طبق معمول با اسکرزت آغاز می‌شود و این سنجاب با دندان‌های خنجر‌گونه‌اش به دنبال یک دانه بلوط گریزان باعث بروز شکاف در یخ، سپس در قاره و سرانجام در خانواده مانی می‌شود. بچه‌ها تکرار این کمدی آغازین ن‌خما شده را تشخیص خواهند داد (ولی احتمالا اعتنایی به این مساله نخواهند کرد) که از یک فیلم کوتاه با عنوان «شکاف قاره‌ای اسکرزت» گرفته شده است که فاکس در سال ۲۰۱۰ به «سفرهای گالیور» منضم کرده بود. قطعه‌ای مربوط به گم شدن در دریا نیز که پس از آن می‌آید پیش از «لویون و موش خرما‌ها، خرماشکسته» نمایش داده شده بود.

باز یافت کردن ظاهرا به روحیه غالب این روزها بدل شده است. این نکته وقتی به چشم می‌آید که می‌بینیم این جمع شخصیت‌های رنگارنگ در قالبی تقریبا مشابه با یک کمدی موقعیت تلویزیونی ریخته شده‌اند و هر دنباله بیشتر به یک کارتون از مجموعه «وونی تیونز» شباهت دارد که بیش از حد طولانی شده است و کمتر به یک فیلم کلاما پرداختشده می‌ماند. مهم‌ترین تفاوتی که از زمان اکران اولین فیلم «عصر یخبندان» تاکنون به وجود آمده، این است که از خانواده‌ای مرکب



سینمای جهان



عکس:OutNow

گفت‌وگو با «یورگس لاثیموس» کارگردان «آلپز»

«موج نو» وجود ندارد

جان سملی/ترجمه: رهام سجادی

وقتی فیلم «دندان سگ» یورگس لاثیموس جایزه بخش «نگاه خاص» جشنواره کن سال ۲۰۰۹ را برد، توجه دنیا (حداقل آن بخش از دنیا که فیلم تماشا می‌کند) را به یونان جلب کرد. این فیلم کمدی سیاه تند و تیزی بود درباره والدینی که سه فرزندشان را در یک محیط کاملا بسته نگه داشته و به زور زبانی کادب که معانی کلمات در آن جابه‌جا شده‌اند (و ناپهنجاری‌های دیگری هم) به آنها یاد می‌دادند. سبک مطمئن و اغواگر «دندان سگ» و موضوع حرمت‌شکن آن باعث تعریف و تمجیدهای بسیار بحق در آمریکای شمالی شد. این فیلم حتی نامزد جایزه اسکار نیز شد. (هر چند محتوای مجادله آمیزش شانس مقابله با فیلم‌های مودبانه تر رقبیش همچون «سوختگان» و برنده آن بخش «در دنیایی بهتر» را نداشت). موفقیت «دندان سگ» در یونان و کشورهای خارجی باعث شد آتش علاقه به فیلم‌های جدید و فیلمسازان افروخته شود. لاثیموس دوباره در نقش تهیه‌کننده و بازیگر در فیلم یونانی «تنبیرگ» ساخته آنتینا ریچل سانگاری ظاهر شد. حال، او با فیلم «آلپز» که خود آن را دنباله «دندان سگ» نامیده، بازگشته است. لاثیموس در فیلم «آلپز» مانند فیلم‌های قبلی‌اش مفاهیم اصول اخلاقی و بازیگری را دست می‌اندازد. داستان فیلم درباره یک پرستار است (آگلیکی پاپولیا در «دندان سگ» که در شرکتی شغلی دوم دارد. این شرکت ماتمزداگان را با بازی نقش در گذشته‌گانی که محبوب‌شان بود، تسلی می‌دهد. این فیلم برای اولین بار در جشنواره فیلم تورنتو به نمایش در آمد.

همین‌طور که در حال مطالعه فیلم بودم، فهمیدم که به فیلمسازی بیشتر علاقه دارم تا ساختن تبلیغات.

❧ **وقتی که «آلپز» در جشنواره بود، ۱۵ قانون در بروشور تبلیغاتی فیلم بود که شرکتی که در فیلم نشان داده شده، از آن پیروی می‌کرد. آیا آنها برای راهنمایی بازیگران تان بود؟**

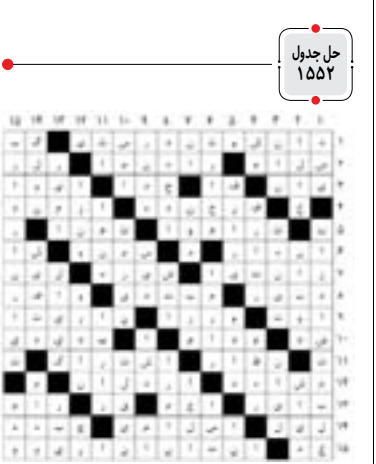
راستستن ما بعد از ساختن فیلم به این ایده رسیدیم. آنها را برای نمایش اختصاصی فیلم در ونیز درست کردیم. به یک بروشور تبلیغاتی نیاز داشتیم و فکر کردیم جالب است که چند قانون از آن گروه را بگذاریم و بعد

افتی:

۱- سدی در استان مازندران-
نسخه‌برداری ۲- گیره‌ر دخترانه- ترس و بیم- لقب امپراتور ژاپن ۳- سکتی بی‌انتها- تلمبه- خبرها ۴- سرپرست- استاندارد عهد بوق- مخفف سیاه ۵- گردنبند مروارید- تکت-ک- انتقال روح- صد متر مربع ۶- چیز- امر به اسودن- ناگزیر ۷- کتابی از شخص یوهان هاو پتمان- محترانه- خمیر سوم ۸- نوعی اره- از الفبای فارسی- معبد یهود ۹- حرف فاصله- حرارت- چهل ۱۰- مدرسه عالی رشته‌های فنی- رسیده- نام ترکی ۱۱- برابر و مساوی- در زبان عربی به همراه یک اسم کنیه می‌سازد- بازگشتن- گلو بریدن ۱۲- آینه مقعر- بلندی- اوج- نشسته ۱۳- پایه و بنیاد- غذای تزیینی- دولت‌ها ۱۴- سوسپید- حق الشرب- نفس خسته ۱۵- تفحص و جست‌وجو- اثری از «بوتراب خسروی»

عمودی:

۱- منجم- تکتک ۲- برج کج فرانسه- زن نازا-



سودوکو
سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای دهدهای بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.



همه را بشکنیم.
❧ مقدمه «آلپز» و مقدمه «دندان سگ» هر دو مجذوب‌کننده هستند. آنها تماشاگر را جذب می‌کنند تا داستان فیلم را ببیند. آیا برای شما مهم است که ایده فیلم را با چیزهایی مانند آن ۱۵ قانون در سر تماشاگر قبل از دیدن فیلم بگذارید؟
من دوست دارم با تماشاگر بازی کنم و به آنها چند نکته درباره فیلم نشان بدهم. اعتقاد دارم که فیلم باید خودش را آرام و مرحله مرحله نشان دهد. تماشاگر باید جلب آن شود و قسمتی از کار را انجام دهد. من فکر می‌کنم این مساله شامل هر مرحله از فرآیند خشن و نمایش و حتی تدوین آن هم می‌شود.

❧ اغلب اوقات رابطه بین شخصیت‌ها مبهم است. به خاطر مقدمه فیلم نمی‌دانیم که چه موقع آنها بازی می‌کنند یا جای شخص دیگری را می‌گیرند یا چه وقت این کار را نمی‌کنند. آیا شما موقع کارگردانی با دادن بخشی از اطلاعات به بازیگران سعی در محو کردن مرز این کارها داشتید؟
ما از آنها چیزی را پنهان نکردیم. آنها فیلمنامه را خوانده بودند. پس می‌دانستند چه اتفاقی قرار بود بیفتد. ولی ما خیلی هم تحلیل نکردیم. برای هر حرکت شرح نمی‌دهیم چه اتفاقی قرار است بیفتد و اینکه آنها چه احساسی در آن لحظه داشته باشند. من این کارها را نمی‌کنم. من در کارم رویکردی عملی و جسمانی دارم. فیلمنامه هست و از تحلیل آن بالاخره چیزی فهمیده می‌شود.

❧ **آیا قصد دارید با ساختن این فیلم‌های کوچک و کم بودجه در یونان به پیش بروید؟**

بستگی دارد به اینکه چه فیلم‌هایی بسازید. بعد از ساختن سه فیلم در یونان با این شرایط، ترجیح می‌دهم با شرایط بهتری کار کنم. قصد دارم چند فیلم در انگلستان بسازم، که مزایا و معایب خودش را دارد. برای ساختن فیلم در انگلستان به زمان بیشتری نیاز است، زیرا تکیه‌گاه چندانی ندارید. در یونان سرو کله دوستان پیدا می‌شود و در حد توان‌شان کمک می‌کنند و شما فیلم را می‌سازید. خب، این گفتنش از آنچه واقعا هست ساده‌تر است. ولی وقتی شما یک فیلم را با امکانات مناسب می‌سازید، زمان بیشتری برای هماهنگ کردن مسایل لازم دارید.

❧ **آیا پروژه خاصی در ذهن دارید؟**

بله. الان حداقل طرح دو یا سه پروژه را در ذهن دارم. من با افیشمس فلیوو روی یک فیلم تاریخی کار می‌کنم و ممکن است یک اثر اقتباسی از یک کتاب هم بسازم. ولی همه اینها در مراحل اولیه هستند. در حال حاضر مشغول نوشتن آنها هستیم، پس نمی‌دانم که چه کاری انجام خواهیم داد.

منبع: ای.وی.کلاب

نازه چه خبر دکتر جون؟

شاخ درآوردن «هری پاتر»



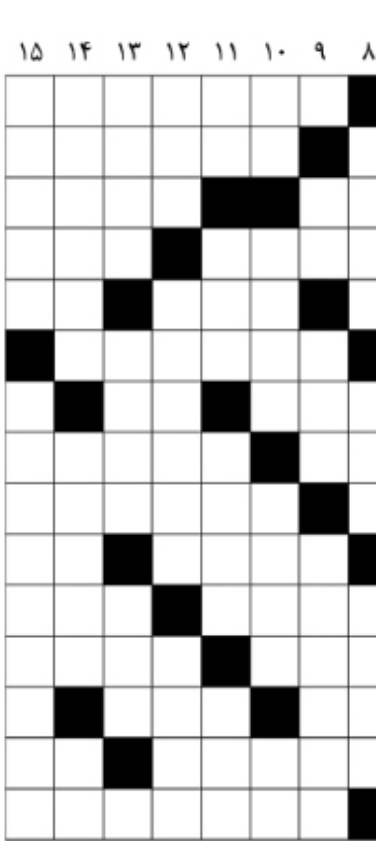
■ بعد از پایان گرفتن مجموعه فیلم‌های هری پاتر و بازی در فیلم‌هایی مثل «بانوی سیاهپوش» ترسناک، دنیل‌ردکلیف این روزها نقش‌های متنوعی را تجربه می‌کند. یکی از نقش‌هایی که ردکلیف قرار است ایفا کند، شاعر مشهور آمریکایی نیمه قرن بیستم، آلن گینزبرگ در فیلم «عزیزانت را بکش» است، همان شخصیتی که جیمز فرانکو دو سال پیش نقش او را در «فریاد» بازی کرد. «عزیزانت را بکش» به کارگردانی جان کروکیداس درباره جنایتی است که سبب می‌شود چند شاعر از جمله گینزبرگ، جک کرواک و ویلیام باروز گرد هم بیایند. گته می‌شود که ردکلیف همچنین در فیلم «پینیوکو» ایفای نقش خواهد کرد و این روزها سریال تلویزیونی «پادداشت‌های یک پزشک» نیز با حضور او در دست تولید است. اما علاوه بر اینها، وراثتی اوایل هفته جاری گزارش داد که ردکلیف قرار است در فیلم «شاخ‌ها» که برگرفته از رمانی به همین نام و نوشته جو هیل است، نقش اصلی را بر عهده بگیرد. داستان درباره مرد جوانی است که به کشتن عزیزانش متهم می‌شود و همزمان با آنکه شاخ‌هایی روی سرش سبز می‌شود قصد دارد به معمای قتل پی ببرد.

جوانی‌های یک آدمخوار



■ نقش هانیبال لکتر، روانپزشک آدمخوار فیلم «سکوت بردها» در جوانی را قرار است مدس میکلسن، برنده جایزه بهترین بازیگر مرد جشنواره کن امسال برای فیلم «شکار»، عهده‌دار شود. پلی‌استت اواخر هفته گذشته گزارش داد که میکلسن با انصراف از بازی در نقش منفی فیلم «ثور ۲» باعث وقفه در این پروژه و تاخیر در برنامه اکران آن، که قرار بود در پاییز سال آینده اتفاق بیفتد، شده است. طبق این گزارش، علت اینکه میکلسن بازی در این فیلم براساس کتاب‌های مصور مارول را نپذیرفته، تداخل زمانی با کارگردانی بریان فوئر است. سریال «هاننیبال» که فصل اول ۱۳ اپیزودی آن در سال ۲۰۱۲ پخش می‌شود و در آن علاوه بر میکلسن، هیو دنسی نیز حضور دارد، به ارتباط میان روانپزشک و بیمار او که از ماموران FBI است، می‌پردازد.

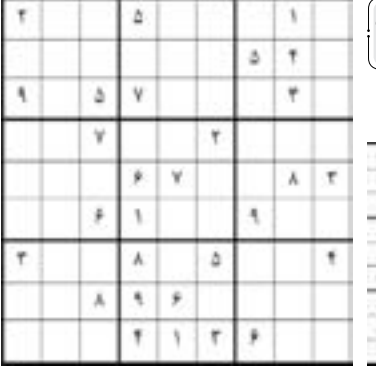
۱۰- ناخن ستور- زمینی- طناب میان ستون فقرات- رايحه ۱۱- خط کش مهندسی- این- نویسنده- او می‌دهد ۱۲- نیروگاه شمال- دعوت شده- همسایگی ۱۳- نوبت نمایش- آرزوی خیالی- حرف یازدهم از الفبای فارسی ۱۴- از رشته‌های دانشگاهی- خوشه‌های گندم- خدای درآویش ۱۵- همشیره- سدی در استان خراسان



قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.



■ ■ ■